

## اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا نبوغ و خلاقیت یا الگوبرداری

مهدی رستگار اصل  
کارشناس مسائل آفریقا

### چکیده:

ایجاد اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۲ یک سری مناظراتی را بین اندیشمندان و کارشناسان برانگیخت به طوری که بعضی از اندیشمندان آن را الگوبرداری و کپی اتحادیه اروپا دانستند و بر این نکته تاکید داشتند که تاسیس این اتحادیه با توجه به حرکت تقلیدی از اروپا با مشکلاتی روبرو خواهد بود. نویسندگان بر این اعتقاد است که این نهاد، ساختار و تاریخی ویژه خود را دارا می باشد و هم در خاستگاه و هم در سازمانها و اجزای مختلف هر دو اتحادیه، تفاوت‌هایی محسوس به چشم می خورد که آن‌ها را با یکدیگر متمایز می سازد. در این راستا در این مقاله به بررسی نحوه ایجاد و سابقه تاریخی دو اتحادیه اشاره شده است و ضمن اشاره به نقاط اشتراک و افتراق به بررسی ساختارهای هر دو اتحادیه، اهداف و اصول و مکانیزم‌های اجرایی آنان پرداخته شده است.

**کلید واژه ها:** اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، ساختار اجرایی، الگو برداری، مطالعه مقایسه‌ای

## مقدمه

واژه‌ها و ترکیباتی از نوع «دهکده جهانی»، «گات»، «جهانی‌شدن»، و ... که در سال‌های اخیر به عرصه ادبیات سیاسی گام نهاده و هر کدام تحولات شگرفی پدید آورده و نظریه‌پردازان و تحلیلگران سیاسی را به تکاپو و تلاش برای رد یا پذیرش آن‌ها وادار کرده‌اند، همگی حاکی از عزم جامعه بین‌المللی به سوی همگرایی و گریز از انزوا و تکروی کشورها در روابط بین‌الملل در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... است. نویسنده در اینجا در پی اثبات درستی هیچ نظریه‌ای نیست؛ همان‌طور که سعی در زدن مهر «باطل» بر هیچ کدام هم ندارد. اما سوگیری جریان فکری حاکم بر نظام بین‌الملل در این برهه، نکته مهمی است که نمی‌توان و نباید از آن غفلت ورزید.

در سال‌های دهه‌های هشتاد و نود، شاهد رقابت جهانی در قالب دو بلوک شرق و غرب بودیم؛ اما امروزه و پس از فروپاشی بلوک شرق و با قدرت گرفتن اروپا، شاهد بروز نوعی دیگر از همگرایی در جامعه بین‌الملل هستیم. بروز عینی این همگرایی تشکیل اتحادیه اروپا در مغرب‌زمین و اتحادیه آفریقا در قاره عقب‌مانده و به عبارتی بهتر، عقب‌نگه‌داشته‌شده آفریقا است. این دو اتحادیه نمادی از همگرایی در جهان کنونی است و دارای امتیازات و ویژگی‌هایی خاص خود است. برخی، این دو اتحادیه را یک روح در دو نماد می‌دانند؛ یعنی اتحادیه آفریقا را نمونه و روگرفتی از اتحادیه اروپا می‌دانند و گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که اتحادیه آفریقا با توجه به ویژگی‌های خود نتیجه خلاقیت و نبوغ آفریقایی است.

هر چند قاره پهناور آفریقا سال‌های زیادی را زیر شلاق استعمار اروپاییان به سر برده و عقب‌ماندگی امروز این قاره نتیجه سال‌ها استثمار و بهره‌کشی از منابع و اندیشه‌های آن است و آنچه از واردات به این سرزمین پهناور بوده، بیشتر از مبدأ کشورهای اروپایی صورت می‌گرفته، این امر باعث نمی‌شود اندیشه تشکیل اتحادیه آفریقا نیز اندیشه‌ای وارداتی باشد. به هر حال، در این مقاله سعی بر آن دارد با مقایسه تمامی بخش‌ها و نهادها و اجزای تشکیل‌دهنده و شرح وظایف آن‌ها، یکی از دو نظریه پیش‌گفته اثبات شود. در مرحله نخست، هر دو اتحادیه به‌اجمال معرفی و در مرحله دوم بخش‌های مختلف هر دو اتحادیه مقایسه می‌شود.

## معرفی اجمالی اتحادیه‌های اروپا و آفریقا

### تاریخچه

تشکیل هر دو اتحادیه به سال‌های قبل برمی‌گردد و هیچ‌کدام به‌طور ناگهانی ایجاد نشده‌اند؛ یعنی ریشه در اواسط سدهٔ پیشین دارد و مقدمات آن را معاهده و قراردادهایی پدید آورده که موجبات استمرار حیات آن را نیز فراهم کرده‌اند.

### اتحادیهٔ اروپا

اصل اروپای متحد به پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. دو جنگ جهانی پی در پی توان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قاره را فرسوده بود و کشورهای اروپایی به‌دنبال نوعی همگرایی برای درمان ماندن از جنگی دیگر و بازسازی ویرانه‌های جنگ‌های قبلی بودند. پیشگامان این حرکت فرانسه و آلمان بودند؛ هرچند کشورهای دیگری همچون کشورهای بنولوکس و ایتالیا نیز در آن نقش داشتند. اولین نمود این اتحادیه، معاهدهٔ تشکیل جامعهٔ اروپایی زغال و فولاد در ۱۸ آوریل ۱۹۵۱م. بود و کشورهای فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، بلژیک، لوگزامبورگ، هلند و ایتالیا بنیانگذار آن بودند تا از این رهگذر مبادلات مواد اولیه ریخته‌گری به‌منظور سرعت بخشیدن به پویایی اقتصاد فراهم آید. روز ۲۷ مه ۱۹۵۲م. تولد معاهدهٔ تشکیل جامعهٔ اروپایی دفاع بود که به‌علت تصویب نشدن در مجلس فرانسه به شکست انجامید.

در ۲۵ مارس ۱۹۵۷م. شش کشور اروپایی پیش‌گفته معاهدهٔ رم را امضا کردند که عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شد و هدفش در بعد اقتصادی تشکیل «بازار مشترک» بود که امکان چرخهٔ آزادانه اشخاص، کالاها و سرمایه‌ها را فراهم می‌ساخت. در سال ۱۹۶۵م.، معاهده‌ای بخش اجرایی هر سه جامعهٔ اروپایی را در هم ادغام کرد. در ۷ آوریل ۱۹۹۲م.، معاهدهٔ ماستریخ به امضا رسید که مرحلهٔ نوینی در فرآیند اتحاد کشورهای اروپایی به‌شمار می‌آید. براساس این معاهده، سیاست اروپایی دارای سه رکن: جوامع اروپایی، همکاری در زمینهٔ سیاست خارجی و امنیت مشترک و حتی دفاع مشترک، همکاری پلیسی و قضایی در زمینهٔ کیفری شد. این معاهده تابعیت اروپایی و تردد آزادانه در کشورهای جامعه و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را برای افراد مقیم آنجا فراهم، و دربارهٔ ایجاد پول واحد اروپایی تحت نظارت بانک مرکزی اروپا تصمیم‌گیری کرد.

اما معاهده آمستردام که در ۲ اکتبر ۱۹۹۷ م. امضا شد، بر اصول مبتنی بر آزادی، مردم‌سالاری و احترام به حقوق بشر تأکید و برقراری آزادی، امنیت و عدالت را پیشنهاد کرد. دو معاهده دیگر در سال‌های ۲۰۰۰ م. در نیس (که نتوانست به طور کامل به اهداف خود برسد) و معاهده قانون اساسی ۲۰۰۴ م. در رم نیز منعقد شد که معاهده اخیر به دو شکل (پارلمانی یا همه‌پرسی) باید در تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به امضا برسد (هرچند در برخی کشورها مثل هلند و فرانسه رد شد).

### اتحادیه آفریقا

برای شناخت سابقه سازمان وحدت آفریقا به عنوان سنگ بنیادین تشکیل اتحادیه آفریقا، باید به اواخر سده نوزدهم برگردیم. در واپسین دهه‌های سده نوزدهم، اندیشه پان‌آفریکانیسم با ایجاد تشکل‌های سیاسی برای مبارزه با استثمار و بردگی سیاهان شکل گرفت و اولین تلاش‌ها در کنفرانس پان‌آفریکانیسم لندن در سال ۱۹۰۰ م. و سپس در کنفرانس بین‌المللی سیاه در سال ۱۹۱۲ م. برای اتحاد سیاهان آمریکا و آفریقا شکل منسجم‌تری به خود گرفت. همایش‌های پان‌آفریکانیسم در حد فاصل سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۵ م. در تثبیت و رشد نهضت رهاسازی سیاهان از استثمار نقش بسزایی داشتند. هرچند در حد فاصل اجلاس باندونگ (۱۹۵۵ م.) تا اجلاس لاگوس (۱۹۶۲ م.) هیچ همایشی برگزار نشد، گروه‌های مهمی همچون گروه برازویل متشکل از دوازده کشور زیر صحرای در سال ۱۹۶۰ م.، گروه کازابلانکا مرکب از سه کشور از شمال آفریقا و سه کشور زیر صحرای در سال ۱۹۶۱ م. و گروه مونرویا مرکب از گروه برازویل و لیبی به رهبری لئوپولد سدار سنگور در سال ۱۹۶۱ م. شکل گرفتند که همگی کم و بیش در استحکام اندیشه پان‌آفریکانیسم و پایه‌های آن نقش مهمی ایفا کردند. هرچند مواضع تند گروه کازابلانکا و میانه‌روی گروه مونرویا موجب اختلافاتی شد، در نهایت با اتحاد این دو گروه زمینه‌های تأسیس سازمان وحدت آفریقا فراهم آمد و این مهم در سال ۱۹۶۳ م. در نشست سران در آدیس‌آبابا تحقق یافت و سند تأسیس سازمان براساس تفکر پان‌آفریکانیسم از سوی سی تن از سران یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان امضا شد.

طرح ویلیام توبمن رئیس‌جمهور لیبیا، مبنی بر نه اتحاد سیاسی که بر ایجاد جامعه کشورهای مستقل آفریقایی از دیگر طرح‌های همزمان بود؛ ولی این طرح از سوی کشورهای شرکت‌کننده در نشست کازابلانکا تحریم شد.

تأسیس سازمان وحدت آفریقا حذف جامعه مستقل انگلیسی‌زبان را به‌دنبال داشت؛ اما جامعه مستقل فرانسه‌زبان همچنان به کار خود ادامه می‌داد و کشورهای فرانسه‌زبان ضمن گسترش جامعه مستقل خود به عضویت سازمان وحدت آفریقا نیز درمی‌آمدند. سازمان وحدت آفریقا به‌مرور راه تکامل را پیش گرفت تا اینکه در سال ۱۹۹۴م. با فروپاشی نظام نژادپرست و عضویت آفریقای جنوبی، هر پنجاه و سه کشور آفریقایی به عضویت این سازمان درآمدند و در سال ۲۰۰۰م. نام سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا تغییر یافت. (در حال حاضر فقط کشور مغرب از عضویت در اتحادیه آفریقا هم، مانند عضویت در سازمان وحدت آفریقا، انصراف داده؛ زیرا جبهه آزادی‌بخش پولیساریو که به‌دنبال جدایی‌طلبی است به عضویت آن‌ها درآمده است.

### برخی علل تغییر سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا

۱. گذر از مرحله استقلال‌طلبی و آزادسازی کشورها از یوغ استعمار (به‌عنوان یکی از اهداف پایه‌گذاری سازمان وحدت آفریقا) و گام نهادن به مرحله جدید توسعه و پیشرفت و در نتیجه نیاز به تشکیلاتی با اهداف جدید و توانایی‌هایی بالا و افق دیدی به‌مراتب گسترده‌تر؛
۲. احساس عدم کارایی بیشتر سازمان وحدت آفریقا با توجه به تحولات جهانی و دگرگونی‌های ایجادشده در نظام بین‌الملل و احساس نیاز به ساختاری قوی و کارآمدتر برای حضوری پررنگ‌تر در عرصه بین‌المللی؛
۳. احساس نیاز به داشتن آفریقای متحد و قوی و ضرورت برقراری مشارکت بین دولت‌ها و تمامی عناصر تشکیل‌دهنده جامعه مدنی، به‌ویژه زنان، جوانان و بخش خصوصی به‌منظور تقویت همبستگی بین دولت‌ها؛
۴. طرح مسائل جدید، از جمله گسترش حقوق بشر و حقوق شهروندی، مردم‌سالاری و حکومت مطلوب؛
۵. ضرورت تسریع در روند اجرایی معاهده تشکیل‌دهنده جامعه اقتصادی آفریقا به‌منظور حمایت از توسعه اجتماعی - اقتصادی آفریقا و مقابله مؤثر با چالش جهانی‌شدن و خروج از انزوا.

### اهداف تشکیل اتحادیه آفریقا

اتحادیه آفریقا با اهدافی متعالی و پویا تشکیل شد که به اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود و برای تفصیل بیشتر باید به منابع درج‌شده در انتهای مقاله مراجعه شود. اهداف یاد شده عبارت‌اند از:

۱. تحقق اتحاد کامل بین کشورهای آفریقایی و مردم آفریقا؛
  ۲. دفاع از حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و استقلال دولت‌های عضو؛
  ۳. تسریع همگرایی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قاره؛
  ۴. حمایت و دفاع از مواضع مشترک آفریقایی در مورد منافع مردم و قاره؛
  ۵. حمایت از همکاری بین‌المللی با توجه به منشور سازمان ملل متحد و بیانیه جهانی حقوق بشر؛
  ۶. گسترش صلح و امنیت و ثبات در قاره؛
  ۷. گسترش اصول و نهادهای مردم‌سالار با مشارکت مردمی و حکومت مطلوب؛
  ۸. توسعه و حمایت از حقوق بشر و مردم مطابق با منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و سایر ابزارهای کارآمد حقوق بشر؛
  ۹. ایجاد شرایط مناسب برای ایفای نقش اقتصادی قاره در جهان و گفت‌وگوهای بین‌المللی؛
  ۱۰. حمایت از گسترش پایدار طرح‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین همگرایی اقتصادهای آفریقایی؛
  ۱۱. گسترش همکاری و توسعه در تمامی عرصه‌های فعالیت انسانی به منظور ارتقای سطح زندگی مردم آفریقا؛
  ۱۲. ایجاد پیوستگی و هماهنگی سیاست‌های فیما بین جوامع اقتصادی منطقه‌ای موجود و آتی به منظور تحقق تدریجی اهداف اتحادیه؛
  ۱۳. تسریع توسعه قاره از رهگذر حمایت از پژوهش در تمامی عرصه‌ها، به‌ویژه در علم و فناوری؛
  ۱۴. کار هماهنگ با شرکای بین‌المللی توانا به منظور ریشه‌کنی بیماری‌ها و گسترش عدالت در قاره.
- شایان ذکر است که اهداف تشکیل اتحادیه آفریقا به‌نوعی می‌تواند جزء علل تغییر سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا نیز قلمداد شود.

### اصول کاری اتحادیه آفریقا

درباره اصول کاری اتحادیه آفریقا می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد:

۱. برابری کامل و وابستگی متقابل کلیه دولت‌های عضو اتحادیه؛
۲. احترام به مرزبندی‌های موجود در زمان دستیابی به استقلال؛
۳. مشارکت مردم در فعالیتهای اتحادیه؛
۴. اجرای سیاست دفاع مشترک برای قاره آفریقا؛
۵. حل مسالمت‌آمیز منازعات بین دولت‌های عضو اتحادیه با روش‌های مناسب موردنظر کنفرانس اتحادیه؛
۶. منع توسل یا تهدید به توسل به زور بین دولت‌های عضو اتحادیه؛
۷. مداخله نکردن دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر؛
۸. حق اتحادیه مبنی بر مداخله در یک کشور عضو براساس تصمیم کنفرانس در شرایط حاد، مثل جرایم جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت؛
۹. همزیستی مسالمت‌آمیز بین دولت‌های عضو اتحادیه و حق آنها مبنی بر زندگی در صلح و امنیت؛
۱۰. حق دولت‌های عضو مبنی بر درخواست مداخله اتحادیه برای بازگرداندن صلح و امنیت؛
۱۱. توسعه به خودوابستگی جمعی در چارچوب اتحادیه؛
۱۲. حمایت از برابری زن و مرد؛
۱۳. احترام به اصول مردم‌سالار، حقوق بشر، دولت قانونی و حکومت مطلوب؛
۱۴. گسترش عدالت اجتماعی به‌منظور ایجاد توسعه اقتصادی متعادل؛
۱۵. احترام محض به حیات بشری و محکوم و نفی کردن عدم مجازات، جرایم سیاسی و اقدامات تروریستی و براندازانه؛
۱۶. محکوم و نفی تغییرات مغایر با قانون اساسی دولت‌ها.

### ارکان و نهادهای اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا سازمانی بین‌المللی، فراملی و بین دولتهاست که از اول مه ۲۰۰۴م. دارای ۲۵ عضو است و با همین عنوان با معاهده ماستریخ پایه‌گذاری شد؛ البته این معاهده خود مکمل جامعه اروپایی است که پیشتر جامعه اقتصادی اروپا (معروف به بازار مشترک) نامیده می‌شده است.

- اتحادیه اروپا بر سه رکن استوار است که به واسطه شیوه تصمیم‌گیری براساس حوزه‌های موردنظر با یکدیگر متمایز می‌شوند:
۱. جامعه اروپایی: وارث «جامعه اروپایی زغال و فولاد»، «جامعه اقتصادی اروپا»، و «معاهده روم» است؛ لذا رکنی فراملی درخصوص سیاست‌های مطرح (سیاست کشاورزی، اتحادیه گمرکی، بازار داخلی، یورو و ...) است. کشورهای عضو در خصوص مفاد این رکن بخش مهمی از اختیارات خود را به اتحادیه اروپا واگذار می‌کنند.
  ۲. «سیاست خارجی و امنیت مشترک»: همکاری بین دول در زمینه امور خارجه و امنیت.
  ۳. همکاری پلیسی و قضایی در زمینه کیفی: همکاری بین دولت‌ها؛ مفاد مشمول رکن سوم به‌طور مشترک مفاد JAI (عدالت و امور داخلی) نامیده می‌شود.
- اتحادیه اروپا در کنار این ارکان، نهادهای دیگری نیز دارد:
۱. پارلمان اروپایی: اعضای آن به‌طور مستقیم توسط اتباع دولت‌های اروپایی عضو انتخاب می‌شوند و وظیفه قانونگذاری مشترک به همراه شورای اروپا و تصویب بودجه را به‌تنهایی برعهده دارند؛
  ۲. شورای اتحادیه اروپا: برای قانونگذاری، وزرا و نمایندگان دولت‌های عضو را گرد هم می‌آورد؛
  ۳. کمیسیون اروپا: عامل پیش‌برنده و سازمان اجرایی اتحادیه؛
  ۴. دیوان عدالت: احترام به قوانین و مقررات را تضمین و در همان حال حقوق اروپایی را نیز ایجاد می‌کند؛
  ۵. دیوان محاسبات: سازمان نظارتی به‌کارگیری صحیح و قانونی بودجه اتحادیه. همین‌جا باید از پنج سازمان نام برد که نهادهای اتحادیه را در اجرای بهتر وظایف خود یاری می‌دهند:
۱. کمیته اقتصادی و اجتماعی (که عقاید جامعه مدنی را در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی سازماندهی شده بیان می‌کند)؛
  ۲. کمیته مناطق؛
  ۳. بانک مرکزی اروپا (مسئول سیاست پولی و گردش یورو)؛
  ۴. میانجی اروپایی (مسئول رسیدگی به شکایات اتباع از عملکرد نادرست نهادها و ارگان‌های اتحادیه)؛



۵. بانک اروپایی سرمایه‌گذاری (که در تحقق اهداف اتحادیه با تأمین سرمایه طرح‌های سرمایه‌گذاری مشارکت می‌جوید).

### نهادهای اتحادیه آفریقا

۱. کنفرانس اتحادیه (عالی‌ترین سازمان و دستگاه اتحادیه): متشکل از رؤسای کشورها و دولت‌ها یا نمایندگان قانونی آن‌ها؛
۲. شورای اجرایی: متشکل از وزرای امور خارجه یا هر وزیر یا مقام تعیین‌شده از سوی دولت‌های عضو؛
۳. پارلمان آفریقایی؛
۴. دیوان عدالت؛
۵. کمیسیون؛
۶. کمیته نمایندگان دائمی: متشکل از نمایندگان دائمی یا سایر شخصیت‌های تام‌الاختیار دولت‌های عضو؛
۷. کمیته‌های فنی - تخصصی مانند کمیته اقتصاد روستایی و کشاورزی، کمیته امور پولی و مالی، کمیته تجارت، گمرک و مهاجرت؛
۸. شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: متشکل از نمایندگان مختلف نهادهای مدنی و حرفه‌ای کشورهای عضو اتحادیه؛
۹. نهادهای مالی، شامل بانک مرکزی آفریقا، صندوق پولی آفریقا، بانک سرمایه‌گذاری آفریقا،
۱۰. شورای صلح و امنیت.

### فرآیند تصمیم‌گیری

روند تصمیم‌گیری در هر دو اتحادیه با توجه به ویژگی‌های آن‌ها از نکات مهمی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

در اتحادیه اروپا تصمیم‌گیری به دو شکل صورت می‌گیرد: ۱. در کنفرانس بین دول حضور دولت‌های حافظ امتیازات خود؛ ۲. در بخش فراملی که بخشی از حاکمیت دولت‌ها به اتحادیه واگذار می‌شود. در شکل اول تصمیم‌ها به صورت معاهده بین دول و با اجماع کامل اتخاذ می‌شود و در شکل دوم نهادها نماینده مستقیم اتباع هستند. امروزه، اتحادیه اروپا از شیوه حاکمیت ترکیبی بهره می‌برد؛ به این معنا که شورای

وزیران نماینده دولت‌ها و مجلس نماینده اتباع است و در تصمیم‌گیری‌ها اجماع وزرا الزامی نیست، بلکه آرای هر دولتی متناسب با وضعیت جمعیتی آن کشور است. در اتحادیه آفریقا تصمیم‌گیری در کنفرانس یا در شورای وزیران به صورت اجماع یا در صورت عدم حصول آن، براساس اکثریت دوسوم دولت‌های عضو اتحادیه می‌باشد. البته حدّ نصاب دوسوم دولت‌های اتحادیه برای کلیه نشست‌های کنفرانس یا شورای اجرایی در نظر گرفته می‌شود.

### زبان‌های رسمی

تنوع زبانی همیشه از مشکلات اصلی در تشکیل اتحادیه‌ها، سازمان‌های قاره، سازمان‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای بوده است؛ هیچ ملتی حاضر به حذف این رکن فرهنگ و تمدن خویش به منظور تحقق اهداف سازمان موردنظر نیست. در اینجا به بحث زبان‌شناختی در دو اتحادیه یادشده می‌پردازیم.

در اتحادیه اروپا: در ابتدای انعقاد معاهده جامعه اروپایی زغال و فولاد، زبان‌های رسمی فرانسه، ایتالیایی، آلمانی و هلندی بودند؛ از این پس، اتحادیه اروپا برای ۲۵ کشور خود دارای بیست زبان رسمی است. البته پذیرش عضویت هر کشوری مشکلات زبان‌شناختی را نیز به دنبال دارد؛ مثل گویش‌های ویژه در کنار زبان‌های رسمی (مورد عضویت اتریش و گویش خاص اتریشی در کنار زبان آلمانی).

در اتحادیه آفریقا: در قاره پهناور آفریقا تنوع شدید زبان و گویش‌های مختلف وجود دارد؛ اما در تمامی نهادهای اتحادیه آفریقا، ضمن احترام به تمامی زبان‌ها و گویش‌های آفریقایی، از پنج زبان فرانسه، انگلیسی، پرتغالی، عربی و سواحیلی به عنوان زبان‌های کاری اتحادیه استفاده و کلیه اسناد و معاهدات به این پنج زبان منتشر می‌شود.

### نمادها

نمادها به عنوان نشانه‌های اشتراک در منافع و اهداف و یکی شدن در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ مواضع در هر دو اتحادیه وجود دارد:

در اتحادیه اروپا: پرچم اروپایی، حلقه‌ای شامل دوازده ستاره طلایی که روی زمینه‌ای آبی نقش بسته است. تعداد ستاره‌ها به نشان تکامل و سپس اوج‌گیری اتحادیه غیرقابل تغییر است. سرود اروپایی «Ode a La Joie» (چکامه شادمانی) که ملودی آن از

سمفونی نهم بتهوون اقتباس شده است. روز اروپا: روز ۹ مه؛ پول واحد اروپایی: یورو؛ شعار اتحادیه: وحدت در کثرت.

در اتحادیه آفریقا: پرچم اتحادیه آفریقا مرکب است از نواری پهن به رنگ سبز در بالا به دنبال آن نوار طلایی، در وسط نوار پهن سفید که در وسط آن نشان UA قرار دارد. در پایین نوار طلایی و یک نوار پهن سبز به چشم می‌خورد. سبز، نماد امید و آرزو، و نماد صداقت در آرزوی آفریقا برای داشتن دوستان واقعی در جهان است.

### نشان AU:

۱. ساقه‌های نخل: به نشان صلح در هر دو طرف؛
۲. حلقه طلایی: نماد غنای آفریقا و آینده درخشان آن؛
۳. حلقه سبز: سمبل امیدها و آرزوهای آفریقا؛
۴. در وسط حلقه سبز نقشه آفریقای بدون مرز: نمودار اتحادیه آفریقا؛
۵. حلقه‌های کوچک قرمز رنگ: معرف همبستگی آفریقایی و خون‌های نثار شده برای آزادی آفریقا.

سرود اتحادیه اروپا همان سرود سازمان وحدت آفریقا است. روز آفریقا: ۲۵ مه؛ پول واحد آفریقایی از موضوعات مورد بحث در نشست‌های اتحادیه است و هنوز به‌علت وجود برخی مشکلات اساسی اقتصادی آفریقا این مهم حاصل نشده است.

### ارتباط با کشورهای غیرعضو قاره

اتحادیه اروپا: به‌عنوان یک واحد مستقل با کشورها و سرزمین‌های غیرعضو، مثل سوئیس آندرو، موناکو، سن‌مارین و واتیکان، جزیره‌مان، جرسی، گرنسی و جزایر فئروده توافق‌نامه‌هایی منعقد کرده است.

اتحادیه آفریقا: با توجه به عضویت کلیه کشورهای آفریقایی در سازمان وحدت آفریقا و سپس تغییر آن به اتحادیه آفریقا، بحث رفتار با کشورهای غیرعضو در این اتحادیه به‌طور کلی منتفی است؛ اما این اصل مترقی «محرومیت دولتهایی که از طرق مغایر با قانون اساسی به قدرت دست یابند از مشارکت در فعالیت‌های اتحادیه» بر روابط بین اتحادیه و دولت‌های عضو حاکم است.

## وضع مجازات

در اتحادیه آفریقا دو نوع مجازات برای دولت‌های عضو در نظر گرفته و اعمال می‌شود:

۱. کنفرانس، مجازات‌هایی را برای کشورهای عضو که سهمیه خود را در بودجه اتحادیه پرداخت نکنند، بدین شرح وضع می‌کند: محرومیت از حق ابراز نظر در گردهمایی‌ها، حق رأی، حق اتباع کشورهای عضو مربوط مبنی بر احراز سمت در سازمان‌های اتحادیه، بهره‌برداری از فعالیت‌ها یا اجرای تعهدات در چارچوب اتحادیه؛
۲. هر کشوری که خود را با تعهدات و سیاست‌های اتحادیه وفق ندهد، مشمول مجازات‌هایی، مانند ارتباط با سایر دول عضو، حمل و نقل و ارتباطات و در خصوص کلیه تدابیر اتخاذشده در کنفرانس درباره سیاست و اقتصاد می‌شوند.

## سازکارها

سه سازکار اقتصادی، سیاسی و نظامی در اتحادیه آفریقا وجود دارند که به‌اجمال معرفی می‌شوند:

الف) طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (نیاد): این طرح به‌دنبال تغییر در وضعیت کنونی قاره از طریق دگرگونی در نظام ارتباطی آن با جهان شکل گرفته است. هدف از آن ثبات و تقویت دستاوردهای سده اخیر در قاره و انگیزه‌ای برای ایجاد روابط جدید مشارکتی بین کشورهای قاره و جوامع بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای پیشرفته صنعتی با هدف غلبه بر شکاف موجود است. این سازکار می‌داند که در گذشته تلاش‌هایی برای راه‌اندازی طرح‌های عظیم رشد و توسعه انجام شده است که بنا به‌دلایلی، اعم از داخلی یا خارجی، از جمله رهبری تردیدانگیز و مسئله مالکیت کمتر موفقیت‌آمیز بوده‌اند.

مرحله جدید جهانی‌شدن که همزمان با شکل‌گیری دوباره مناسبات بین‌المللی پس از جنگ سرد رخ داده، با مفاهیم جدی امنیتی و منافع شخصی توأم شده، حق توسعه و فقرزدایی را دربر می‌گیرد. طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (نیاد) که چارچوب جدیدی را برای تعامل با سایر کشورهای جهان، از جمله کشورهای صنعتی و سازمان‌های دوجانبه به‌دست می‌دهد، بر دستور کاری مبتنی است که مردم آفریقا خود به‌واسطه طرح‌های منحصربه‌فرد و برحسب اراده خود در تعیین سرنوشت خود تدوین کرده‌اند. به‌منظور نیل به اهداف طرح، رهبران آفریقایی وظایفی برعهده دارند: تقویت راهکاری برای جلوگیری از بروز اختلافات، گسترش و حفظ مردم‌سالاری و حقوق بشر

در کشورها و مناطق تحت پوشش خود از طریق ترویج معیارهای مناسب و اهداف سیاست‌های مالی و پولی، تعیین چارچوب‌های قانونی و نظام‌مند شفاف‌ی که در بازارهای ملی و در رسیدگی به وظایف شرکت‌های خصوصی و بخش دولتی کاربرد داشته باشد و غیره.

موفقیت این طرح در گرو حمایت همه‌جانبه مردم قاره از آن است و هیچ انعطافی در اجرای آن که اقتصاد قوی و مردم‌سالاری در کشورهای آفریقایی را هدف قرار داده، جایز نیست. البته بازگ کردن کامل اهداف و سایر اجزای تشکیل‌دهنده طرح در حوصله این مقال نمی‌گنجد.

ب) سازکار بررسی دقیق آفریقایی (APRM): به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا، APRM سند دستورالعمل داوطلبانه برای خوددیده‌بانی کشورهای آفریقایی است که از سوی کشورهای عضو اتحادیه آفریقا پذیرفته و تصویب شده است. این سازکار که به‌دنبال حکومت‌داری متکی بر مشارکت سیاسی و اقتصادی همگانی است، بیانیه مردم‌سالاری و حکومت‌داری متکی بر مشارکت سیاسی و اقتصادی آفریقا را معیار خود، و اهدافی از قبیل ثبات سیاسی، رشد بالای اقتصادی، توسعه پایدار و شتاب‌بخشی به همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و قاره‌ای را پیش روی خود قرار داده است. این سازکار به دو روش بازنگری را مجاز می‌داند:

۱. صلاحیت و اعتبار آن‌ها به لحاظ فنی تأیید شده باشد؛

۲. مستقل از هرگونه دستکاری سیاسی باشد.

APRM هدایت و مدیریت روش‌ها و فعالیت‌های خود را به هیئتی هفت‌نفره از اشخاص برجسته آفریقایی می‌سپارد که در مسئولیت خود دارای تخصص و به آرمان‌های پان‌آفریکانیسم وفادار باشند. این افراد با معرفی APRM توسط کمیته‌ای متشکل از وزرای منتخب سران کشورها و دولت‌های مشارکت‌کننده تعیین می‌شوند. در حال حاضر، شخصیت‌های زیر در این هیئت عضویت دارند: پروفیسور آدبایو آددجی، بتونل عبدو کیپلاگات، مراد مدلسی، گرساسیمینه ماشل، دوروتی انجوما، ماری آنجلیک ساوانه، کریستیان لودویک استالس. طول خدمت اعضای هیئت، چهار سال و رئیس آن که باید منتخب کنفرانس و باید دارای سوابق مدیریت در بخش دولتی و خصوصی باشد، پنج سال است. این هیئت کار خود را در چهار مرحله انجام می‌دهد که تفصیل این مراحل در حوصله این مقال نمی‌گنجد.

پ) نیروهای واکنش سریع آفریقا: به منظور تشکیل ارتش مشترک آفریقایی و با توجه به وجود مشکلات و بحران‌های مختلف در نقاط مختلف قاره، آفریقاییان به این نتیجه رسیده‌اند که نیروهای واکنش سریع آفریقایی را تشکیل دهند. هرچند این نیروها با مشکلاتی همچون بودجه، پشتیبانی و... مواجه است، کارآیی خود را در نقاط مختلف، از جمله سودان و لیبیا ثابت کرده و با حضور مؤثر خود در این کشورها مانع ایجاد بهانه برای حضور نیروهای بین‌المللی شده‌اند.

### مقایسه اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا

در مقام مقایسه اتحادیه اروپا و آفریقا، اگر خواسته باشیم از موجودیتی همگرا با قالب عملیاتی خود پس از اتحادیه اروپا سخن بگوییم، باید از اتحادیه آفریقا نام ببریم که با وجود مشکلات، کاستی‌ها، منازعات و تنوع واحدهای سیاسی خود توانسته اندیشه اتحاد قاره‌ای را واقعیت ببخشد. اما شایستگی آفریقا زمانی دوچندان می‌شود که به وضعیت هر دو قاره نگاهی بیفکنیم؛ در یک سو انباشت ثروت و قدرت و در سوی دیگر حاشیه‌نشینی و انزوا. چون امروزه، در نظام بین‌الملل بازیگران همگرا با بهره‌گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی سازنده خود می‌توانند در تعیین ماهیت نظام بین‌الملل ایفای نقش کنند، اتحادیه آفریقا با خلق نهادهای همگرا در صف این نیروها قرار می‌گیرد.

در اینجا برای مقایسه این دو اتحادیه، لازم است نگاهی به تاریخچه هر دو بیفکنیم. تاریخچه تأسیس اتحادیه اروپا نمودار آن است که اروپای پس از دو جنگ جهانی، خود را با چالش‌های بزرگ اقتصادی و قدرتی نوپدید، یعنی ایالات متحده آمریکا مواجه می‌بیند. هر چند ایالات متحده آمریکا متحد اروپا در جنگ با آلمان و متفقین بود، از جنگ هیچ آسیبی ندیده بود. حال، اروپا نیاز به رشد اقتصادی و اجتماعی دارد؛ از این رو کشورهای بزرگ این قاره به دنبال تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی، جامعه اروپایی زغال و فولاد را بنیان می‌نهند. به عبارتی دیگر، نیاز آن روز اروپا بیش از نیاز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نیاز اقتصادی بود؛ هرچند مسائل اقتصادی همیشه بر مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار هستند. در بررسی پیشینه اتحادیه اروپا، به اسناد مهم بازرگانی و همگرایی‌های منطقه‌ای و فرومنطقه‌ای تجاری برمی‌خوریم و شاید بتوان به این نتیجه رسید که خاستگاه اصلی اتحادیه اروپا خاستگاهی نه سیاسی، که اقتصادی بوده است؛ یعنی مشکلات سیاسی، اعم از استقلال‌طلبی، یکپارچگی سرزمینی و... در این قاره پیشتر حل شده بود و مشکل آن روز اروپا آسیب دیدن اقتصاد کشورها و به تبع آن

نهادهای اقتصادی بود و باید این اقتصادهای ضعیف‌شده ترمیم می‌شد. لذا اروپاییان به دنبال اتحاد و همگرایی منطقه‌ای و فرومنطقه‌ای بودند و از خلال آن‌ها به همگرایی قاره‌ای نیز می‌اندیشیدند.

در قاره آفریقا به‌طور همزمان با اروپا بحث همگرایی شکل می‌گیرد؛ اما این بار نه به‌صورت منطقه‌ای و فرومنطقه‌ای، که به‌صورت قاره‌ای. هرچند همگرایی‌های منطقه‌ای بین کشورهای فرانسه زبان و کشورهای انگلیسی‌زبان نیز مطرح می‌شود، همگرایی قاره‌ای با حرکتی خردکننده هر دو همگرایی جوامع زبانی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

در سال‌های آغازین دهه پنجاه، با ضعیف شدن کشورهای استعمارگر اروپایی، کشورهای آفریقایی به رهبری بزرگانی همچون قوام نکرومه و احمد سکوتوره اقدام به استقلال‌خواهی می‌کنند و در پی آن سازمان وحدت آفریقا با هدف آزادی کشورها از یوغ استعمار، تأکید بر هویت مشترک، دفاع از حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی و... پا به عرصه حیات می‌گذارد و اندیشه پان‌آفریکانیسم با سابقه‌ای حدود یک سده، افق وسیعی را مقابل دید ملل آفریقایی می‌گشاید. هرچند سازمان وحدت آفریقا بنا به‌عللی، از جمله ناکارآمدی در شرایط روز نظام بین‌المللی و گذر از مرحله استقلال‌طلبی کشورهای تحت سلطه استعمار و... به اتحادیه آفریقا تغییر می‌یابد تا این اتحادیه بتواند با اهداف متعالی در مسیر حضور آفریقا در عرصه تصمیم‌گیری‌های جهانی گام بردارد، با بررسی همگرایی‌های منطقه‌ای و فرومنطقه‌ای شاهد خاستگاهی سیاسی و در مراحل بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای آن هستیم. به این معنا که کشورهای آفریقایی عقب نگه‌داشته‌شده از قافله توسعه و پیشرفت و مواجه با مشکلات سیاسی در مرحله نخست (در بعد سیاسی) با حمایت سازمان وحدت آفریقا از یوغ استعمار رهایی یافتند و در مرحله بعد (بیشتر پس از تشکیل اتحادیه آفریقا) به مسائل اقتصادی پرداختند و هم‌اکنون، در مقام مقایسه دو اتحادیه، شاهد پویایی و تلاش بسیار زیاد اتحادیه آفریقا در جهت حل مشکلات قاره در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، صلح و... هستیم.

از آنجا که قدرت‌های استعماری همواره دست طمع و استثمار به‌سوی آفریقا دراز کرده‌اند، همگرایی قاره‌ای می‌تواند اعمال نفوذ قدرت‌های استعماری را در قاره متعادل کرده، از این قدرت‌ها در جهت پیشرفت قاره سود ببرد. امروزه، بحث اقتصاد جهانی و جهانی‌شدن اقتصاد همزمان، فرصت و تهدیدی برای کشورهاست و اتحادیه آفریقا می‌تواند با کاربست تدابیر مناسب این تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و زمینه‌های

مناسب و مطمئنی را برای سرمایه‌گذاری سایر دولت‌ها در آفریقا فراهم نماید تا از این رهگذر هم مشکلات اقتصادی و اجتماعی قاره حل شود و هم قدرت‌های اقتصادی به سرمایه‌گذاری در آفریقا توجه ویژه کنند. طرح‌های مختلفی همچون تیکاد، آگوا و... نمونه‌هایی از اقبال قدرت‌های اقتصادی به این قاره است.

با نگاهی نه‌چندان عمیق به اهداف تشکیل اتحادیه آفریقا، شاهد نبوغ اندیشه آفریقاییان هستیم؛ به این معنا که با تنظیم اهدافی متعالی برای توسعه و پیشرفت همه‌جانبه قاره خود تلاش می‌کنند. البته ناکامی‌هایی چند در این راه نصیب دولت‌های آفریقایی شده که امری طبیعی است؛ چرا که عملکرد قدرت‌های جانی همگام با اهداف اتحادیه آفریقا نیست. گاه شاهد ارتباط با یکایک کشورهای آفریقایی بدون لحاظ اتحادیه از سوی قدرت‌ها هستیم که این امر خود مانع نیل به اهداف اتحادیه است. به‌طور کلی باید گفت اهداف متعالی اتحادیه آفریقا نمودار احساس نیاز جدید رهبران قاره است. دیدگاه رهبران امروز قاره با دیدگاه رهبران دهه‌های پنجاه و شصت متفاوت است. در دهه‌های پیشین، دغدغه اصلی قاره کسب استقلال کشورها بود؛ ولی امروز بحث توسعه در رأس تمامی مباحث مطرح در قاره است.

با مطالعه اصول کاری اتحادیه آفریقا دریافت می‌شود که پیشگامان و معماران اتحادیه به‌شکلی جدید به حل مسائل فیما بین می‌پردازند، سعی می‌کنند از هرگونه درگیری درون‌قاره‌ای پیشگیری کنند و بحث برابری بین کشورها از نکات مهم این اصول کاری است. مداخله نکردن در امور داخلی کشورها و حل مسالمت‌آمیز درگیری‌های جاری میان کشورها با روش‌های مناسب موردنظر کنفرانس اتحادیه از نکات حائز اهمیت این اصول است. هرچند واگذاری بخشی از حاکمیت در تشکیل اتحادیه‌ها از اصول غیرقابل چشم‌پوشی آنهاست، در اصول کاری اتحادیه بندی پیشرو (حق اتحادیه مبنی بر مداخله در یک کشور عضو براساس تصمیم کنفرانس در شرایط حد، مثل جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت) وجود دارد که در اتحادیه اروپا سخنی از آن در بین نیست. مسائل اجتماعی، از جمله برابری زن و مرد، احترام به حقوق بشر و... در اصول کاری اتحادیه منظور شده است و در یک جمله، اتحادیه سعی دارد کلیه عوامل تشنج‌زا در جوامع و تنش‌زا بین کشورها و اقوام را از بین ببرد.

نهادها در اتحادیه‌ها می‌توانند راه‌گشای مسائل بسیاری باشند. در اتحادیه اروپا پنج نهاد اصلی و در کنار آن پنج سازمان وجود دارد. در اتحادیه آفریقا ده نهاد به چشم می‌خورد که هرچند کم و بیش به هم شباهت‌هایی دارند، از تفاوت‌های آنها نیز نباید



غفلت کرد. در بحث کمیته‌های فنی - تخصصی در اتحادیه اروپا دو کمیته و در اتحادیه آفریقا سه کمیته براساس نیاز روز قاره پیش‌بینی شده است. شورای صلح و امنیت در آفریقا با شرح وظایفی جدید در اتحادیه آفریقا خودنمایی می‌کند که در اتحادیه اروپا پیش‌بینی نشده است. تشکیل شورای صلح و امنیت نیاز امروز قاره آفریقا است و در مسائل سودان، ساحل عاج، توگو و... این شورا عملکرد مثبتی از خود نشان داده و هرگونه روزه‌ای را برای ورود نیروهای بین‌المللی، مثل ناتو بسته است.

در بحث تصمیم‌گیری در دو اتحادیه، فرآیند موردنظر نیز متفاوت است. در اتحادیه آفریقا در ارکان مختلف، اعم از کنفرانس یا شورای اجرایی دو روش اجماع یا در صورت عدم حصول آن، اکثریت دوسوم کشورهای عضو برای تصمیم‌گیری منظور شده است که این امر شتاب و شفافیت تصمیم‌گیری‌ها را موجب می‌شود؛ اما در اتحادیه اروپا با توجه به موقعیت قاره و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی عملکردها متفاوت است؛ یعنی در بخش کنفرانس بین دولت‌ها با اجماع کامل تصمیم‌گیری می‌شود و در مسائل فراملی نهادها نماینده اتباع هستند که خودبه‌خود نقش دولت‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود.

زبان، در مقام وسیله ارتباطی بین انسان‌ها در اتحادیه نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چون زبان یکی از ارکان فرهنگ و تمدن هر قوم و کشوری است. در اتحادیه اروپا هیچ کشوری از این حق خود چشم‌پوشی نمی‌کند و اتحادیه به تعداد اعضای خود دارای زبان‌های کاری است و گاه این اتفاق می‌افتد که در دو کشور مختلف یک زبان با اختلاف گویش استفاده می‌شود که این اختلاف نیز باید در کاربرد زبان‌ها لحاظ شود. در اتحادیه آفریقا با وجود گونه‌گونی شدید زبانی از پنج زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، پرتغالی و سواحیلی به‌عنوان زبان کاری یاد و کلیه اسناد و معاهدات اتحادیه به این پنج زبان تنظیم می‌شود و این امر نمودار چشم‌پوشی از بخشی از هویت ملی اقوام و کشورهای آفریقایی در راستای همگرایی قاره‌ای است.

هر دو اتحادیه‌های اروپا و آفریقا دارای نمادهای مشترک، از جمله پرچم، سرود، روز ملی و شعار هستند با این تفاوت که در اتحادیه اروپا پول واحد اروپایی (یورو) وجود دارد؛ اما هنوز در اتحادیه آفریقا در خصوص تعیین پول واحد آفریقایی تصمیم‌گیری نهایی نشده است (هرچند از گذشته دور فرانک سیفا واحد پولی کشورهای جامعه فرانسه‌زبان بوده) و این امر نتیجه وابستگی اقتصاد کشورهای آفریقایی به کشورهای متروپل است که در صورت توسعه و پیشرفت اقتصاد قاره و رهایی از بند وابستگی اقتصادی به کشورهای صاحب قدرت و ثروت این امر نیز محقق خواهد شد.

بحث ارتباط با کشورهای غیرعضو در قاره در اتحادیه اروپا وجود دارد؛ زیرا اتحادیه اروپا با پیش‌زمینه‌های اقتصادی شکل گرفته، عضویت در آن به‌نوعی امتیاز برای کشورها محسوب می‌شود و در زمینه اقتصادی حلال مشکلات زیادی بین اعضای خود بوده است و برای عضویت در آن شرایط خاصی وجود دارد. اما در اتحادیه آفریقا با توجه به پیش‌زمینه سیاسی تا سال ۱۹۹۴م. تمامی کشورهای قاره به اتحادیه پیوستند. پس این بحث در اتحادیه آفریقا، از اساس منتفی است.

یکی از مسائل مطرح در اتحادیه آفریقا که در اتحادیه اروپا ردپایی از آن دیده نمی‌شود، بحث وضع مجازات‌هاست که بخشی از آن ناشی از مشکلات اقتصادی است. کنفرانس در اتحادیه آفریقا می‌تواند برای کشورهایی که سهمیه خود را در بودجه اتحادیه پرداخت نکنند و در بخش سیاسی نیز برای کشورهایی که خود را با سیاست‌های اتحادیه وفق ندهند یا دولت‌هایی که با روش‌های مغایر با قانون اساسی به قدرت دست یابند، مجازات‌هایی تعیین و اعمال کند. بخش اول تعیین پرداخت سهمیه کشورها در بودجه اتحادیه اروپا در این اتحادیه مطرح نیست و در بخش دوم نیز گاه شاهد تصمیم‌گیری‌هایی مغایر با منافع اتحادیه از سوی کشورهای صاحب قدرت در قاره هستیم.

### نتیجه‌گیری

با نگاهی به آنچه درباره این دو اتحادیه گفته شد، می‌بینیم چه در خاستگاه و چه در سازمان‌ها و اجزای مختلف هر دو اتحادیه تفاوت‌هایی محسوس به چشم می‌خورد که آن‌ها را با یکدیگر متمایز می‌سازد. این تفاوت‌ها نمودار آن است که اتحادیه آفریقا نه الگوبرداری شده از اتحادیه اروپا که شاهدی بر نبوغ و خلاقیت انسان آفریقایی در عصر حاضر است. گواه درستی این ادعا سازکار APRM است که براساس آن کشورها داوطلبانه از سوی هیئتی که کنفرانس تعیین می‌کند بررسی می‌شوند تا عملکرد آن‌ها در زمینه حکومت مطلوب، مردم‌سالاری و حقوق بشر ارزیابی شود. در نوبت اول چهار کشور برای این بررسی نامزد شدند و گزارش کار هیئت به‌طور محرمانه و فقط در اختیار کنفرانس قرار گرفت. این سازکار خود موجب تشویق دولت‌ها به کسب مشروعیت بیشتر در عرصه داخلی و قاره‌ای و به‌تبع آن در عرصه بین‌المللی می‌شود. چنین سازکاری می‌تواند میزان اطمینان سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف قاره را افزایش دهد و امکان سرمایه‌گذاری را برای کشورهای صاحب سرمایه و مؤسسات اقتصادی در کشورهای آفریقایی فراهم آورد تا از رهگذر این سرمایه‌گذاری‌ها مشکلاتی، همچون بیکاری، فقر، آموزش، مبارزه با بیماری‌ها و... حل شود. نمونه دیگر، طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (نپاد) است. در هیچ اتحادیه‌ای نمی‌توان شاهد این اندازه تلاش برای توسعه

کشورهای عضو بود حتی در اتحادیه اروپا با وجود جوامع مختلف اقتصادی چنین طرحی مشاهده نمی‌شود؛ هرچند این طرح گاه از سوی قدرت‌های اقتصادی بزرگ مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

مشابهت در نهادها و فرآیند تصمیم‌گیری در آن‌ها، شرح وظایف هر یک و... می‌توانست فرضیه الگوبرداری اتحادیه آفریقا را از اتحادیه اروپا تقویت کند؛ اما تفاوت‌های بی‌شمار در کنار شباهت‌ها مانع تحقق آن شد و خلاقیت و نبوغ آفریقاییان را در تشکیل اتحادیه به‌رخ جهانیان کشید. ناگفته نماند که اتحادیه اروپا می‌توانست و می‌تواند الگویی خوب برای اتحادیه آفریقا باشد؛ اما ناهمسانی‌های فراوان در عرصه‌های مختلف بین دو قاره این امر را غیرممکن ساخته است. تنها چیزی که در این باره می‌توان گفت شاید خط‌دهی اتحادیه اروپا به اتحادیه آفریقا باشد؛ به این معنا که سران اتحادیه آفریقا نهادهای اتحادیه اروپا را در قالبی آفریقایی و مطابق با نیازهای خود در اتحادیه شکل دهند؛ مثل تشکیل برخی نهادها از قبیل پارلمان آفریقایی یا کمیته‌های مختلف و... علاوه بر این در اتحادیه آفریقا شاهد تشکیل برخی سازمان‌ها یا تنظیم سازکارهایی هستیم که در اتحادیه اروپا مجال ظهور و بروز نیافته‌اند.

از دیگر نکاتی که مبین این خلاقیت است، بیان «حق اتحادیه مبنی بر مداخله در یک کشور عضو براساس تصمیم کنفرانس در شرایط حاد، مثل جرایم جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت» در اصول کاری اتحادیه است که در اتحادیه اروپا عرصه بروز نیافته است، یا در بحث عضویت در قاره آفریقا آمده است که اگر دولتی با روش مغایر با قانون اساسی یعنی با کودتا، براندازی یا هر راه غیرمشروع دیگر به قدرت دست یابد از مشارکت در فعالیت‌های اتحادیه محروم می‌شود. این نکته اخیر که جلوه‌ای کامل از ظهور مردم‌سالاری است در اتحادیه اروپا نیامده است. این‌ها همگی شاهدی بر نبوغ و خلاقیت آفریقایی در پی‌ریزی اتحادیه‌ای است که بتواند موجبات و زمینه‌های توسعه همه‌جانبه قاره را در شرایط کنونی جهان تضمین کند.

## منابع

- فتاحی، سیدمرتضی (۱۳۸۱)؛ «اتحادیه آفریقایی، دو گام به پیش یک گام به پس»، **بولتن مؤسسه پژوهشی و اطلاع‌رسانی کارا پژوهش سبز**.
- فتاحی، سیدمرتضی (۱۳۸۴)؛ «اتحادیه آفریقایی، خوداتکایی نوین آفریقا در قالب همگرایی جدید»، **بولتن ویژه‌نامه آفریقا**.
- **سایت اتحادیه اروپا**.
- **قانون تأسیس اتحادیه آفریقایی**.
- «سازمان‌های آفریقایی»، ترجمه حسین ساغری؛ **بولتن مؤسسه پژوهشی و اطلاع‌رسانی کارا پژوهش سبز**.
- «سازکار بررسی دقیق آفریقایی (APRM)»، ترجمه سیدیوسف سنایی.
- **طرح مشارکت نوین برای توسعه آفریقا (NEPAD)**؛ ترجمه بهجت عباسی.